

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

لقمه‌ی شبهه‌ناک

پرسش: مشکل لقمه‌ی شبهه‌دار را باید چه کنیم؟ در حقیقت ما از حرام بودن مال اشخاص اطلاع دقیق نداریم؛ اما به فرموده‌ی شما آثار آن باقی می‌ماند.

پاسخ: لقمه، قطعاً تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در حالات روحی انسان دارد. حدیث داریم که اگر کسی چهل شبانه‌روز لقمه‌ی حلال بخورد، قلبش نورانی می‌شود.^۱ تأثیر لقمه در حالات روحی انسان یک امر یقینی است. هم تجربه شده، هم احادیث فراوانی در این خصوص داریم. مسلم است! خود قرآن فرمود: **يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا**^۲ ای پیغمبران غذای پاک بخورید تا عمل صالح از شما سر بزند. رفتارها و حالت‌های روحی ما تأثیراتی از لقمه گرفته است. اما در بحث لقمه، اصلاً ما مأمور به وسواس و تجسس نیستیم. گفته‌اند در سوق مؤمنین بنا را بر اعتماد بگذار؛ در جمع مؤمنین که وارد شدی، بنا را بر این بگذار که براساس شرع عمل شده است؛ یعنی اینکه به هر لقمه‌ای رسیدیم، بخواهیم برویم کندوکاو و جستجو کنیم که از کجا آمده؟ چگونه بوده؟ چی بوده؟ اینها را هم موظف نیستیم. به ما گفتند در جامعه‌ی اسلامی وقتی شخص مسلمان است و به‌طور ظاهری هم می‌دانید که به احکام دینی مقید است، حرام‌خور نیست، از راه حرام پول در نمی‌آورد، وجوهات شرعی را هم

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۶ و ابن‌فهدحلی، عدة‌الداعی، ص ۱۵۳. (**مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ**)

۲. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۵۱.

مقیّد است که بدهد، انسان نمازخوانی است، معلوم است که این گونه است، دیگر اینکه وسواس پیدا کنیم و برویم بگردیم که این پول خاص را در کدام معامله به دست آورده، حالا آن جنس را گران فروخته یا ارزان فروخته و امثال اینها، ما این وظیفه را نداریم. همین که قرائن کلی در جامعه‌ی اسلامی نشان می‌دهد که فرد مسلمانی است، دیگر انسان می‌تواند استفاده کند. البته اگر قرائنی وجود داشت که آن قرائن قوی بود و احتمال مسأله‌دار بودن این لقمه پیش آمد، مثلاً پولی که سبب تهیّهی این شده، پول حرامی بوده، حلال نبوده، به ما دستور داده‌اند که: **قِفْ عِنْدَ الشُّبْهَةِ**^۳ وقتی به چیزی که مشتبه است رسیدی، توقف کن. حالا مجبور نیستی حتماً این را بخوری، برو یک چیز دیگر بخور. و برای اینکه این شخص از تو نرنجد، به‌گونه‌ای توریه کن، بگو حالم خوش نیست، بگو الآن میل ندارم، همه‌اش هم درست است! یعنی میل به خوردن مال حرام ندارم؛ حرفت درست است! حالم خوش نیست؛ یعنی حالم به‌گونه‌ای است که اگر این لقمه را بخورم وضعم خراب می‌شود؛ توریه کن. طوری بگو که هم او نرنجد هم تو از خوردن آن لقمه نجات پیدا کنی؛ مگر در شرایط اضطرار. شرایط اضطرار احکام اولیّه را برمی‌دارد؛ لذا گفتند اگر یک گرسنه‌ای وسط بیابان دارد از گرسنگی می‌میرد و غذای حلالی هم نیست، فقط یک گوسفند مرده‌ای آنجا افتاده، با اینکه در شرایط عادی خوردن آن گوسفند مرده حرام است، اما در آن شرایط اضطراری برای او مجاز می‌شود. قرآن هم اشاره کرد که **فَمِنْ اضْطُرٍّ** **فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ**^۴ اگر انسان مضطر بود، در شرایط اضطرار خوردن آن لقمه برای او مجاز می‌شود.

پرسش: اگر لقمه مسأله داشته باشد، آثار وضعیش چه می‌شود؟

۳. با اندکی تفاوت: برقی، محاسن، ج ۱، ص ۲۱۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۳ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص

۱۵۹.

۴. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳.

پاسخ: تنها مشکل ما این لقمه نیست؛ خیلی چیزهاست که ممکن است در روح ما کدورت ایجاد کند. یک راه از بین رفتن کدورت استغفار است، یعنی هر روز انسان استغفار کند؛ این توصیه‌ی من است؛ دوست داشتید عمل کنید؛ صبح‌ها بعد از نماز صبح و عصرها قبل از غروب آفتاب، هفتاد بار **اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّيَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ** بگویید؛ گناهان روز و شب انسان را کلاً پاک می‌کند. این روش خیلی خوبی است! دوم هم، به موجب روایات اعمال حسنه نور دارند؛ همان‌طور که اعمال سیئه ظلمت دارند؛ لذا فرمودند: **اَتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا:**^۵ در پی سیئه کار حسنه انجام بده؛ نور آن حسنه که آمد ظلمت سیئه را از روح تو بیرون می‌کند. قرآن فرمود: **اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ:**^۶ حسنه سیئه را از وجود انسان بیرون می‌کند. بنابراین با انجام دادن کار خیر و با استغفار کردن، اگر چیزی هم ایجاد شده باشد، از بین می‌رود، که البته در اضطرار اصلاً شاید چیزی ایجاد نشود.

نکته‌ی دیگر هم این است که اگر یک وقت کسی در شرایطی است که آن شرایط واقعاً برایش شبهه‌ناک است، بچه‌ای است که در خانواده‌ای زندگی می‌کند و می‌بیند پدر و مادرش در زمینه‌های شرعی، کسب و کاسبی، خیلی حساب و کتاب درستی ندارند، [چه کند؟] همسر و فرزندان دختر تا قبل از ازدواج، و فرزند پسر تا قبل از سن تکلیف، واجب‌التفقه‌ی پدر و مادرند، و اگر همسر باشد واجب‌التفقه‌ی شوهر است؛ لذا اگر سفره‌ای که این فرزند یا خانم بر سر آن نشسته، سفره‌ی پدر یا شوهرش است و شوهر درآمدی دارد، [مسئولیت آن با پدر یا شوهر است]. حالا یک وقت یقین دارد حلال است که خیالش راحت است، یک وقت برایش شبهه‌ناک است و احتمال می‌دهد که همسر او خیلی مراعات نکند که مثلاً جنس را گران نفروشد، یا واقعاً با همان کیفیتی که دارد آن جنس را

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳؛ قمی مشهدی، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص ۸۲ و ورام‌بن‌ابی‌فارس،

مجموعه‌ی ورام، ج ۱، ص ۹۰.

۶. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۴.

معرفی کند، در تبلیغ جنسش زیاده‌گویی نکند، یا به‌هر حال آلوده‌ی به ربا نشود، خیلی انسان مواظبی نیست، اگر چنین احتمالاتی را شخص در ذهنش داد، طبیعتاً نگران خواهد شد. ولی چون واجب‌النّفقه است، اگر بر سر این سفره بنشیند، ولو آن لقمه ایرادی هم داشته باشد، ایراد آن لقمه متوجه آن فرزند یا همسر نیست؛ متوجه آن شوهر یا پدری است که این لقمه‌ی شبهه‌ناک را آورده است. لذا او حق دارد شرعاً در حدّ نیازهای واقعی، نه در حدّ مصرف تجملاتی و تشریفاتی، [استفاده کند]. بالاخره لباسی لازم دارد که به‌طور متعارف بپوشد، غذایی بخورد یا برای نیازهای واقعی زندگیش، مثلاً اگر دانشجویست، کتابی، دفتری لازم دارد و هزینه‌های تحصیلی دارد، در حدّ نیازهای واقعی اگر از این پول استفاده کند، مسؤولیت شرعی متوجه این زن، یا این فرزند دختر قبل از ازدواج، یا این فرزند پسر قبل از سنّ تکلیف نیست. این بُعد شرعی قضیه است که اگر هم مشکلی هست، مسؤولیتش متوجه آن مردی است که این پول مشکل‌دار را آورده است. اینها مسؤولیت شرعی ندارند و اجازه دارند در آن حد استفاده کنند. اما ممکن است بگوییم خیلی خوب از نظر شرعی درست، اما از نظر معنوی و اخلاقی چه؟! می‌گوییم از نظر معنوی و اخلاقی هم اگر استفاده‌ی از اینها توأم با رغبت و شوق و اشتها نباشد، یعنی از سر ناچاری، از سر ناگزیر بودن، بدون رغبت، شوق، اشتیاق، وّلّع و لذّت از این مال استفاده کند، اگر مال مشکلی هم داشته باشد، آن تأثیرات منفی روحی را بر او نمی‌گذارد؛ چون عملی که با اکراه انجام شود تأثیر ندارد. اگر عمل خوب هم باشد، مثل اینکه به‌زور شما را مجبور کنند نمازی را با اکراه بخوانید، آن نماز اثری ندارد. یا اینکه با اکراه شما را مجبور به کاری کنند که مجاز نیست، مثل اینکه شما در ماه رمضان روزه‌اید، کسی دست و پای شما را بگیرد و ببندد و با اکراه در دهان شما غذا بریزد، و به‌زور هم شما را مجبور کند که غذا را فرو دهید، اینجا روزه‌ی شما باطل نمی‌شود. عملی که با اکراه انجام می‌شود، مؤثر نیست؛ چه خوبش، چه بدش. در نتیجه وقتی انسان با اکراه، با بی‌رغبتی، از سر ناچاری بر سر این سفره می‌نشیند و از این غذا می‌خورد، یا از این امکانات مادی استفاده می‌کند، در آن حدّ ضروری واقعی و نه در حدّ تشریفات و تجملات، در اینجا تأثیرات

منفی روحی هم نخواهد داشت؛ تا اینکه ان شاء الله اگر فرصت و امکانی برای این شخص فراهم شد، وابستگی خود را به این درآمد کم کند.

گاهی اوقات بعضی دوستان دانشجو می‌آیند همین مشکل را به من می‌گویند، می‌گویم ببین اگر می‌توانی کمتر استفاده کنی کمتر استفاده کن؛ مثلاً اگر می‌توانی کار دانشجویی در دانشگاه بگیری انجام دهی، یا شغلی بیرون دانشگاه در کنار تحصیلاتت می‌توانی بگیری که وابستگی به درآمد پدر یا درآمد خانواده کمتر شود، در آن حدی که امکانپذیر است بهتر است این کار را بکنی؛ تا وقتی که ان شاء الله بتوانی زندگی مستقلی برای خودت تشکیل دهی و دیگر به‌طور مطلق این وابستگی از بین برود. ولی تا وقتی که انسان ناگزیر است، مشکلی ندارد؛ با همین شکلی که عرض کردم. البته اینها حرف‌هایی است که باید بگذارید در کنار بحث‌هایی که در مبحث رزق مفصل بیان کرده‌ایم. مبحث رزق کتاب مصباح‌الهدی را یک‌بار مرور کنید تا مجدداً بحث‌ها یادتان بیاید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ